

رویکردهای نوین در مدیریت ورزشی

دوره ۷، شماره ۲۷، زمستان ۱۳۹۸

ص ص : ۱۴۶-۱۳۱

تحلیل تماتیک دیپلماسی ورزش در توسعه روابط بین الملل

آرش دوستی^۱ - رضا صابونچی^{۲*} - مهدی شریعتی فیض آبادی^۳

۱. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، واحد بروجرد، دانشگاه آزاد اسلامی، بروجرد، ایران. ۲. استادیار مدیریت

ورزشی، واحد بروجرد، دانشگاه آزاد اسلامی، بروجرد، ایران. ۳. استادیار دانشگاه فنی و حرفه‌ای، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۲۹ / ۰۴ / ۱۳۹۸، تاریخ تصویب: ۲۹ / ۰۷ / ۱۳۹۸)

چکیده

هدف پژوهش حاضر شناسایی و استخراج مؤلفه‌های تأثیرگذار و مهم دیپلماسی ورزشی بود؛ پژوهش حاضر به لحاظ هدف کاربردی و به لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها از نوع پیمایشی بود که به صورت آمیخته (کمی-کیفی) انجام گرفت. جامعه آماری برابر با تمامی متخصصان و نمونه آماری در بخش کمی با توجه به فرمول کوکران برای حجم جامعه نامعلوم برابر با ۲۱۸ نفر بود که به صورت نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابتدا با مرور ادبیات پژوهشی مرتبط، مؤلفه‌های مرتبط با دیپلماسی ورزشی استخراج شدند. سپس با استفاده از روش دلفی فازی به صحت‌گذاری سؤالات پرسشنامه با استفاده از نظر خبرگان پرداخته شد. به منظور خلاصه‌سازی تم‌های استخراجی از مصاحبه، شناسایی عامل‌ها و نامگذاری عامل‌های استخراج‌شده از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. در نهایت ۷ مؤلفه جریان‌های سیاسی، تبادل فرهنگی، عامل صلح‌سازی، وحدت ملی، توسعه اقتصادی، تحول و ارتباطات و جریان‌های مذهبی استخراج شد. در مرحله بعد به کمک مدلسازی ساختاری-تفسیری، و آزمون مدل معادلات ساختاری به بررسی روابط بین متغیرها پرداخته شد. نتایج نشان داد که جریان‌های سیاسی، تبادل فرهنگی، تحول و ارتباطات تأثیر مستقیم و معناداری بر وحدت ملی دارد. معناداری جریان‌های سیاسی با عامل صلح‌سازی تأیید نشده است، ولی وحدت ملی و عامل صلح‌سازی در دیپلماسی ورزش تأثیر مستقیم و معناداری بر توسعه اقتصادی جوامع دارد؛ از این رو به نظر می‌رسد تقویت وحدت ملی و نقش صلح‌ساز ورزش در جوامع می‌تواند به شکوفایی اقتصادی آنها کمک کند.

واژه‌های کلیدی

اقتصاد، ایران، دیپلماسی ورزشی، صلح فرهنگ.

مقدمه

مفهوم دیپلماسی به دوران باستان همزمان با به قدرت رسیدن یونان باستان برمی گردد که در دوران روم و بیزانس به شکوفایی رسید و زمینه را برای رسیدن به کمال خود در دوران رنسانس مهیا کرد. همزمان در ایران با به قدرت رسیدن هخامنشیان و سیاست «تسامح مذهبی» کوروش هخامنشی، دیپلماسی به منظور نفوذ در سایر کشورهای مقتدر آن زمان به روشی صلح آمیز و دیپلماتیک شکل گرفت (۱۳). در قرن ۱۶ میلادی همزمان با به قدرت رسیدن پرتغالی ها در عرصه بین الملل ارتباطات بین المللی شکل جدیدی به خود گرفت و همسو با افزایش قدرت نظامی، دولت ها با شکل گیری مفهوم کشور و مرزبندی های امروزی تلاش کردند تا قلمرو حکومتی خود را افزایش دهند (۶). در اروپا همزمان فرانسه به ترویج فرهنگ خود در سراسر اروپا پرداخت. در طول انقلاب فرانسه این کشور با ارتقای ایدئولوژیک انقلابی خود به دنبال جلب توجه رهبران کشورها و توده های مردم برآمد تا اینکه با اختراع رادیو کشورها به ابزار جدیدی برای دستیابی و نفوذ بر سایر مردم دست یافتند، بدون اینکه مجبور به عبور از مرزهای جغرافیایی یک کشور و رعایت قوانین گمرکی شوند (۵).

با شروع قرن بیستم همزمان با افزایش اوقات فراغت در کشورها مفهوم ورزش و توسعه مراکز ورزشی و تفریحی به عنوان یکی از ابزارهای درآمدزا در گذران اوقات فراغت اهمیت یافت (۱۱). در این زمان دو رویکرد مرتبط به هم اهمیت یافتند: افزایش روزافزون تعاملات بین المللی و بین المللی شدن ورزش (۵). به این دلیل که ورزش می تواند هم روابط بین کشورها را تحکیم می بخشد و هم نقش ابزاری این پدیده در جهت سنجش و مقایسه کشورها با یکدیگر، موجب شده تا امروزه پژوهشگران ورزش را به عنوان مفهومی جدانشدنی از تمامی ارتباطات و تعاملات سیاسی،

اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورهای مختلف بدانند (۱۴). ورزش می تواند از راه های گوناگون تأثیر مستقیم مداوم بر روابط میان حکومت ها و مردمان داشته باشد و افراد زیادی را جذب کند (۱۰). به علاوه ورزش می تواند مانع وقوع جنگ بین کشورها، فقر، بیکاری و بیماری شود (۱). ورزش پیونددهنده منش پهلوانی است و به دنبال خود ارزش های شایسته ای همچون شجاعت، عدالت، عقلانیت را تقویت می کند (۵). ورزش فراهم کننده شرایط صلح در بین دولت هاست و بهانه ای در جهت گفت و گو و بحث های دیپلماتیک است. برای مثال اجتماعات بزرگی همچون المپیک و جام جهانی می تواند کشورها را در کنار یکدیگر جمع کند و به شکل گیری روابط نزدیک و صمیمانه تر بینجامد (۳). بنابراین می توان گفت جنبه های سیاسی و فرهنگی ورزش به صورت گسترده ای به رسمیت شناخته شده و ورزش بین المللی جزیی جدایی ناپذیر از پوشش های روابط میان ملت هاست (۲). با توجه به تعریف جامعه بین المللی که کشورهای مختلف را یک گروه مستقل می داند که از طریق گفت و گو و توافق، قواعد و نهادهای مشترکی را برای رفتار و روابط ایجاد کرده اند و منافع خود را در حفظ این ترتیب ها می دانند (۹)، دولت ها سعی دارند از ورزش به ویژه ورزش هایی که جنبه بین المللی دارد و نیز رویدادهای بزرگ ورزشی بین المللی همچون جام جهانی فوتبال یا بازی های المپیک - برای اهداف گسترده و دیپلماتیک خود استفاده کنند (۷). با نگاهی به ادبیات پژوهشی مرتبط با موضوع درمی یابیم که بیشترین تأکید بر جنبه صلح پایدار دیپلماسی ورزش است که بین دولت ها و ملت ها به وجود می آید و همین عامل تمایل به برگزاری رویدادهای ورزشی را بیشتر می کند. برای مثال چا^۱ (۲۰۱۳) در پژوهش خود اشاره می کند که بازی های المپیک ۲۰۰۸ پکن نمونه ای از تفاهم و تقویت حس

دوستی و از بین رفتن مرزهای ایجادشده در دوران پایانی جنگ سرد است. این پژوهشگر در ادامه ورزش را ابزاری تقویتی برای توسعه تعاملات بین‌المللی و یک نشان ملی می‌داند تا دولت‌ها به اهداف سیاسی خود دست یابند (۲۰۱۵). گریکس و هولیهان^۱ (۲۰۰۶) نیز رویدادهای بزرگ ورزشی را به‌عنوان بخشی از استراتژی قدرت نرم می‌دانند. این پژوهشگران با مطالعه موردی جام جهانی فوتبال آلمان در سال ۲۰۰۶ و المپیک ۲۰۱۲ بریتانیا ضمن مقایسه این بازی‌ها به این نتیجه رسیدند که کشور آلمان در استفاده از سیاست ورزش در قرن بیستم میلادی نقش مهمی داشته است؛ به‌گونه‌ای که در دوران نازیسم و آلمان غربی سوشالیست کمونیست از این موضوع به‌خوبی بهره گرفته‌اند. بریتانیا نیز با برگزاری بازی‌های ۲۰۱۲ لندن توانست دیپلماسی عمومی خود را تقویت کند. در بین سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۰ که بریتانیا به‌دنبال آمادگی برای برگزاری بازی‌های المپیک ۲۰۱۲ بوده، توانسته است در ۶ شاخص صادرات، مهاجرت، سرمایه‌گذاری، فرهنگ، گردشگری و مردم جز شش دولت برتر دنیا قرار گیرد (۱۶). پژوهش یوشوسکا و پتروشوسکا (۲۰۱۵) با عنوان «دیپلماسی ورزشی؛ توسعه و عملکرد» نشان داد که ورزش ابزاری ارزشمند در تحقق منافع سیاسی دولت‌هاست. در این پژوهش دیپلماسی ورزشی به‌عنوان یک بخش از دیپلماسی عمومی در روابط بین‌الملل مدرن دیده شده است. همچنین نتایج پژوهش نشان داده است که ورزش تأثیر مثبتی بر بهبود وضعیت عمومی، ادراکات کشورها، ترویج نفوذ سیاسی کشورها و گسترش فرهنگ و ارزش‌های آنها و همچنین پرورش صلح دارد (۲۳).

مورای و پیگمن^۲ (۲۰۱۴) نیز در بررسی دقیق خود با عنوان «طراحی ارتباط میان ورزش بین‌المللی و دیپلماسی» به‌دنبال ترویج بهترین شیوه مورد پذیرش حکومت‌ها مبتنی بر تسهیل و آسان کردن استفاده از ورزش به‌عنوان ابزاری دیپلماتیک توسط آنان و کاربرد مؤثر دیپلماسی توسط نهادهای ورزشی بودند. این پژوهش سعی کرده است مروری مطالعاتی بر دیپلماسی ورزش با تأکید بر رشته‌های پینگ‌پنگ، فوتبال و بیسبال داشته باشد (۱۸). سید عبدالله^۳ (۲۰۱۹)، در پژوهشی با عنوان «نامزدی قطر برای جام جهانی؛ نقش ورزش در روابط بین‌الملل» معتقد است دستیابی به سلامت ملی، خلق ثروت، تقویت توسعه و افزایش صلح و امنیت از مهم‌ترین کارکردهای ورزش در عرصه بین‌الملل است (۲۶). رو^۴ (۲۰۱۹) با تحلیل مسابقات المپیک زمستانی ۲۰۱۸ پیونگچانگ کره جنوبی، آمادگی کره شمالی برای شرکت در این مسابقات تنها یک ماه مانده به برگزاری را از جمله دستاوردهای بزرگ این ابر رویداد می‌داند؛ وی این المپیک را غیرقابل جایگزین می‌داند، چراکه تیم زنان هاکی کره شمالی و کره جنوبی زیر یک پرچم و به شکل متحد رژه رفتند. به‌علاوه رئیس‌جمهور کره جنوبی مون جائه این توانست در زمان برگزاری این بازی‌ها با رهبر کره شمالی کیم جونگ اون^۵ دیدار کند (۲۵). دابینسکی^۶ (۲۰۱۹) نیز در مقاله‌ای با عنوان «از قدرت نرم تا دیپلماسی ورزشی» ورزش را به‌عنوان مقوله‌ای مهم در دستیابی به اهداف بین‌المللی کشورها گزارش و به‌دلیل خاصیت نمایشی این پدیده در عرصه بین‌الملل آن را از منابع قدرت نرم کشورها می‌داند (۲۴). پیگمن^۸ (۲۰۱۴) در پژوهشی مروری با عنوان «ورزش بین‌الملل و بعد عمومی دیپلماسی؛ دولت‌ها، فدراسیون‌های ورزشی و جامعه

5 . Moon Jae In
6. Kim Jong Un
7 . Dubinsky
8. Pigman

1 . Grix & Houlihan
2. Murray & Pigman
3 . Abdullah
4 . Rowe

جهانی»، ضمن بررسی مفهوم رقابت‌های بین‌المللی ورزشی به‌عنوان بازیگران دیپلماتیک از زمان المپιάد باستان، از تیم‌های حاضر در این رویدادها نه‌تنها به‌عنوان نمایندگان وزارت خارجه کشورها، بلکه به‌عنوان نماینده همه مردم و دولت‌ها یاد کرده است. در این پژوهش به رشد سریع تعداد رویدادهای ورزشی بین‌المللی در ۵۰ سال گذشته و افزایش تبادلات فرد به فرد به شکل شخصی، مجازی در خارج از مرزهای ملی اشاره شده است (۱۹). شریعتی فیض‌آبادی و گودرزی (۱۳۹۴) نیز در تحقیق خود با عنوان «جایگاه دیپلماسی ورزش در روابط بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران؛ رویکرد کیفی مبتنی بر تحلیل محتوا» با انجام روش پژوهش کیفی به این نتیجه رسیدند که ۱۰ مؤلفه برندینگ و پرستیژ بین‌المللی، توسعه فرهنگی، توسعه سیاسی، توسعه اقتصادی، مبارزه با انزوا و تحریم، برون‌رفت از بعد تاریک، صلح و دوستی، وحدت و همگرایی ملی، تعاملات رسانه‌ای و توسعه قدرت هوشمندانه متأثر از دیپلماسی ورزشی بوده که متأسفانه جمهوری اسلامی ایران به‌دلیل نداشتن استراتژی واحد در زمینه دیپلماسی ورزش و دید «حیات خلوت» به ورزش، بسیاری از فرصت‌ها را برای توسعه روابط بین‌الملل خود از این طریق از دست داده است (۹). در پژوهش دیگری با عنوان «مدلسازی نرم (ISM) مؤلفه‌های دیپلماسی ورزش» باقری، شریعتی فیض‌آبادی و نظریان (۱۳۹۵) دریافتند که مؤلفه‌های دیپلماسی ورزشی در سه ناحیه پیوندی (توسعه فرهنگی و صلح و دوستی)، مستقل (تعاملات رسانه‌ای، وحدت و هویت ملی، توسعه سیاسی و مبارزه با انزوا) و وابستگی (بعد تاریک، توسعه اقتصادی، برندینگ و پرستیژ بین‌المللی و توسعه قدرت هوشمندانه) دسته‌بندی شده‌اند (۱). زرگر (۱۳۹۴) در پژوهش دیگری با عنوان «ورزش و روابط بین‌الملل: جنبه‌های مفهومی و تئوریک» به این نتیجه رسید که ورزش و پوشش‌های مرتبط با آن از جمله مباحث بسیار

جدیدی به‌حساب می‌آیند که مورد توجه پژوهشگران روابط بین‌الملل قرار می‌گیرد. ورزش‌هایی مانند فوتبال دهه‌ها است که جنبه‌های سیاسی پررنگی داشته و در مدیریت کلان سیاسی به کارکردهای آن توجه می‌شود. امروزه جا دارد که کارکردهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن و آثار و تبعات شگرف آن بر کلان‌ترین سطح تعاملات یعنی روابط بین دولتها و دیگر بازیگران بین‌المللی در روابط بین‌الملل تئوریه و مفهوم‌سازی شود. بنابراین در پژوهش گفته شده تلاش شده است تا برخی جنبه‌های مهمی که ورزش با روابط بین‌الملل ارتباط پیدا می‌کند بررسی شود و از این راه زمینه‌ای پژوهشی برای توجه بیشتر به ورزش در روابط بین‌الملل ایجاد شود (۷).

با مطالعه ادبیات پژوهشی مرتبط مشخص شد که اجرایی شدن دیپلماسی ورزش در کشورها دارای چندین بازیگر و تسهیل‌کننده متفاوت است که شامل ۱. وزارت امور خارجه و دستگاه دیپلماسی عمومی کشور، ۲. ورزشکاران، ۳. مدیران ورزشی، ۴. دانشگاه‌های عالی تربیت بدنی، ۵. سازمان‌ها یا وزارتخانه‌های متولی ورزش، ۶. وزارتخانه یا سازمان مسئول در زمینه فرهنگ و هنر کشور، ۷. شهرداری‌ها، ۸. رسانه‌های جمعی، ۹. کمیته ملی المپیک و ۱۰. بخش‌های مرتبط با صنعت گردشگری است (۵). از نقش‌آفرینی چنین بازیگرانی پیداست که دیپلماسی ورزشی از عرصه‌های گوناگونی همچون فرهنگ، گردشگری، سیاست و رسانه‌ها تبعیت می‌کند و متقابلاً تأثیر می‌گذارد. این پیامدها خود را به شکل کارکردهای گوناگونی نمایان می‌سازد. از توسعه همه‌جانبه در عرصه‌های مختلف اقتصاد، اجتماعی و فرهنگی گرفته تا معیاری به‌مثابه قدرت نرم و ابزاری برای گفت‌وگو و همگرایی در جوامع چند فرهنگی و فراهم کردن شرایط صلح (۵، ۱۲).

علاوه‌بر جنبه‌های فرهنگی و ورزشی، دیپلماسی ورزش زمینه را نیز برای رشد و توسعه اقتصادی فراهم می‌کند.

می‌توان از ورزش به‌عنوان اهرم کاهش فشار استفاده کرد و روابط دیپلماتیک را در سایه گسترش توجه به ورزش در سطح جهان گسترش داد، اهمیت یافته است. بنابراین پژوهش حاضر سعی دارد ضمن تبیین جایگاه ورزش در توسعه روابط و تعاملات امروز در بین کشورهای مختلف جهان، مهم‌ترین مؤلفه‌هایی را که در پژوهش‌های اندک پیشین نام برده نشده‌اند، با کمک خبرگان شناسایی کرده و در نهایت این مؤلفه‌ها را نامگذاری کند و توجه تصمیم‌گیرندگان سیاسی و غیرسیاسی کشور ایران را به این مفهوم بااهمیت و کاربردی جلب سازد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف کاربردی و به لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها از نوع پیمایشی است. همچنین به لحاظ هدف کاربردی و به لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها از نوع پیمایشی است که به‌صورت آمیخته (کمی-کیفی) انجام گرفت؛ جامعه آماری برابر با تمامی متخصصان و نمونه آماری در بخش کمی با توجه به فرمول کوکران برای حجم جامعه نامعلوم برابر با ۲۱۸ نفر بود که به‌صورت نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. بدین ترتیب سعی شده است با مرور ادبیات نظری مرتبط، مؤلفه‌های (گویه‌های) مرتبط با دیپلماسی ورزشی از ادبیات موضوعی پژوهش استخراج شدند. به‌منظور تأیید گویه‌ها، پرسشنامه‌ای متناسب با روش دلفی فازی تهیه شد و در اختیار خبرگان قرار گرفت تا به غربال این مؤلفه‌ها بپردازند و اهمیت آنها را شناسایی کنند. بدین ترتیب برای تأیید و رد گویه‌های پژوهش از روش دلفی فازی با استفاده از ۱۰ نفر خبره استفاده شده است. در ادامه با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی و مدلسازی با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و PLS یافته‌های استنباطی به‌دست آمد. در نهایت ۷ مؤلفه جریان‌های سیاسی، تبادل فرهنگی، عامل صلح‌سازی، وحدت ملی،

توجه به ورزش و رویدادهای ورزشی می‌تواند همچون چتری سایر حوزه‌های اشتغال را تحت تأثیر قرار دهد و به‌صورت غیرمستقیم بر اشتغال افراد دیگر حوزه‌ها تأثیر بگذارد. توسعه و همکاری‌های اقتصادی در کنار ارتباطات ورزشی باعث می‌شود دولت‌ها به ترویج سیاست‌های فرهنگی و خارجی خود بپردازند و درس‌هایی از یکدیگر یاد بگیرند (۱۵). شواهد نشان می‌دهد دیپلماسی ورزش با جریان‌های مذهبی نیز ارتباط مستقیم دارد. برای مثال حضور زنان در ورزشگاه‌ها که امروزه موضوع بحث کارشناسان ورزشی و غیرورزشی است، برجستگی نقش دین در آن بیشتر به چشم می‌خورد. بسیاری از فقها از دریچه پوشش به ورزش نگاه می‌کنند و موضوع حجاب و پوشش مردان برخی از رشته‌های ورزشی را عامل محدودکننده رفتن زنان به ورزشگاه می‌دانند. بنابراین مشخص است که در کشوری مانند ایران احکام دینی تعیین‌کننده نوع سیاست ورزشی در حوزه‌های مختلف ورزشی باشد.

با توجه به اهمیت دیپلماسی و ورزش از جنبه‌های گوناگون به‌نظر می‌رسد کشور ایران نتوانسته باشد که از این فرصت استفاده لازم و کافی را ببرد. جمهوری اسلامی ایران از دیپلماسی ورزش به‌عنوان یکی از ابزارها و رویکردهای دیپلماسی عمومی از حوزه‌های بااهمیت در کشورها بهره‌ای برده است و به‌دلیل مقاومت دستگاه دیپلماسی کشور در تصویرسازی و ارائه اطلاعات دیپلماتیک به رسانه‌ها، با تأخیر وارد این نوع ابزار دیپلماسی شده است (۱۶). از سوی دیگر، عواملی همچون شیعه‌هراسی و ایران‌هراسی تبلیغ‌شده در خاورمیانه باعث شده است که برقراری دیپلماسی ورزشی با دیگر کشورها با چالش روبه‌رو شود (۲۳). همچنین با وجود اهمیت مفهوم دیپلماسی ورزش، در محافل فکری و تصمیم‌گیری ایران نتوانسته است جایگاه مناسب خود را داشته باشد (۱۸). از سوی دیگر در شرایط پر فشار تحریم‌های اقتصادی و سیاسی امروز دانستن اینکه چگونه

توسعه اقتصادی، تحول و ارتباطات و جریان‌های مذهبی استخراج شد.

اکتشافی و تأییدی، ابزار مطالعاتی براساس نمونه در دسترس توزیع که در نهایت از میان ۲۴۰ پرسشنامه توزیع شده، ۲۱۸ نفر به پرسش‌ها پاسخ دادند که آمار توصیفی آنان در جدول ۱ ارائه شده است.

یافته ها

با توجه به فرمول کوکران برای حجم جامعه نامعلوم و به‌منظور انجام آزمون‌های کمی، آزمون‌های تحلیل عاملی

جدول ۱. آمار توصیفی بخش کمی

ردیف	متغیرهای جمعیت‌شناختی	گزینه‌ها	فراوانی	درصد
۱	جنسیت	مذکر	۱۲۶	۵۸
		مؤنث	۹۲	۴۲
۲	تأهل	مجرد	۷۴	۳۴
		متأهل	۱۴۴	۶۶
۳	تحصیلات	کارشناسی	۹۵	۴۳
		کارشناسی ارشد	۸۶	۴۰
		دکتری	۳۷	۱۷
۴	سن	زیر ۳۰ سال	۵۶	۲۶
		۳۱ تا ۴۰	۷۸	۳۶
		۴۱ تا ۵۰	۵۰	۲۳
		۵۱ سال و بالاتر	۳۴	۱۵

پیش از بررسی مدل در مدلسازی تفسیری، مؤلفه‌های مورد نظر به کمک مطالعات گذشته و دریافت نظر کارشناسان صورت پذیرفت.

گام نخست: شناسایی متغیرهای مربوط به مسئله

در این مرحله نظرهای داده‌شده توسط گروه تصمیم‌گیرنده با استفاده از طیف ۵ تایی لیکرت جمع‌آوری شد، سپس با توجه به نظرهای خبرگان، عدد فازی مثلثی به عوامل تخصیص داده شد. در ادامه با استفاده از ارزش آستانه پیشنهادشده در ادبیات، وضعیت هر عامل (تأیید/رد) مشخص شد. ۳۳ گویه از گویه‌های دیپلماسی ورزشی برای طراحی پرسشنامه استفاده شدند. همچنین یک سؤال آزاد در انتهای پرسشنامه گنجانده شده بود که در آن از پاسخ‌دهندگان خواسته شده بود که هر عامل مؤثری را که

از نظر آنها برای هدف پژوهش بااهمیت است، ذکر کنند. دوم، از پرسشنامه برای گردآوری نظرهای خبرگان در گروه تصمیم‌گیری استفاده شد تا اهمیت نسبی عوامل مؤثر و رتبه آنها به‌دست آید. بر این اساس گردآوری اطلاعات در دو مرحله صورت گرفت در گام اول پرسشنامه در اختیار اعضای گروه خبره قرار گرفت و از آنها خواسته شد نظرشان را درباره هر معیار در قالب متغیرهای کلامی مندرج در پرسشنامه بیان کنند. با توجه به فرمول‌های محاسبه میانگین، میانگین فازی و عدد فازی قطعی‌شده استخراج شد.

در نهایت عامل‌های شناسایی‌شده نام‌گذاری شدند. در این مرحله سعی شده است به سؤال «عوامل مؤثر در دیپلماسی ورزشی کدام‌اند؟» پاسخ داده شود. برای

- نامگذاری عامل‌ها از دو معیار کلی «قابل کنترل بودن/یا نبودن» و «کلی بودن/یا خاص بودن» استفاده شده است. عامل اول: عامل اول شامل گویه‌های ۲، ۳، ۱۵، ۱۷، ۲۳ و ۱۰ است که ۱۳/۳۵۷ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند. این عامل‌ها بیشترین واریانس را دارا هستند. این عامل شامل شش گویه زیر است:
- قوانین حکومتی و دولتی مانع از تحقق اهداف دیپلماسی ورزشی در ایران می‌شود (۲).
- ورزش ابزاری در جهت توسعه روابط دیپلماتیک است (۳).
- حضور یک کشور در رویدادهای ورزشی می‌تواند آن را از انزوای سیاسی و ژئوپولیتیکی خارج سازد (۱۵).
- ورزش موجب بازسازی نهادهای داخلی می‌شود (۱۷).
- ورزش ابزاری در جهت ترویج قدرت و سلطه است (۲۳).
- از طریق ورزش کشورها سعی دارند به اهداف گسترده خود در کسب قدرت دست یابند (۳).
- این ۵ گویه دارای دو ویژگی بارزند؛ در کنترل یک کشورند و مختص فرایندها و جریان‌های سیاسی‌اند. براساس ادبیات و ماهیت گویه‌ها، می‌توان گفت که این تم‌ها در ماهیت عامل سیاسی رخ خواهند داد. به عبارتی، این عامل اشاره سیاست دارند. به همین دلیل، گویه‌ها تحت عنوان «جریان‌های سیاسی» نامگذاری می‌شوند.
- عامل دوم: این عامل شامل گویه‌های ۴، ۶، ۸، ۱۴ و ۲۶ است که ۱۲/۴۰۷ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند. این شش عامل عبارت‌اند از:
- دیپلماسی ورزشی ابزاری برای ارائه تصویر واقعی مردم ایران به جهانیان است (۴).
- ورزش موجب تقویت تعاملات مردمان جهان می‌شود (۶).
- ورزش‌های بومی، محلی و باستانی بستری مناسب برای توسعه گفت‌وگو میان انقلاب است (۸).
- ورزش ابزاری است تا مردم یک کشور در مقابل مردم کشور دیگر قرار گیرند (۱۴).
- ورزش موجب توسعه ارتباط فرهنگی میان مردمان کشورها می‌شود (۲۲).
- این عوامل در کنترل جامعه و خاص فرهنگ یک جامعه است. با توجه به ویژگی‌ها و اشتراکات بین این عوامل، این عامل را «تبادل فرهنگی» نامگذاری می‌شود.
- عامل سوم: این عامل شامل گویه‌های ۱۲، ۱۳، ۱۸، ۲۱ و ۲۱ است که ۱۲/۱۴۲ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند. این عوامل عبارت‌اند از:
- ورزش به بهبود روابط خارجی و افزایش تفاهم دولت‌ها کمک می‌کند (۱۲).
- ورزش می‌تواند جایگزینی برای جنگ و دیپلماسی نظامی باشد (۱۳).
- ورزش عامل ایجاد جنگ روانی میان دولت‌هاست (۱۸).
- ورزش ابزاری علیه دوپینگ، تنوع نژادی، قومی، منطقه‌ای و طبقاتی است (۲۱).
- ورزش برای کشورهایی که دارای فضای سرد سیاسی متقابلی‌اند، می‌تواند موجب تلطیف و عادی‌سازی رابطه میان دو کشور شود (۱۵).
- با توجه به ماهیت عوامل، این عوامل در کنترل کشورهاست، همچنین خاص فرایند صلح است و در ارتباط با نحوه ایجاد صلح در جهان است. در نتیجه این عامل به‌عنوان «عامل صلح سازی» نامگذاری شد.

عامل چهارم: این عامل شامل گویه‌های ۷، ۱۹، ۴ و ۲ است که ۹/۳۶۸ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند. این چهار عامل عبارت‌اند از:

ورزش فضایی مناسب برای اثرگذاری بر افکار عمومی است (۷).

ورزش منبعی برای تضاد و اختلاف کشورهاست (۱۹).

• دیپلماسی ورزشی میان ملت‌ها مستلزم تغییر در دشمنی‌های دو جامعه و برقراری پیوندهای دوجانبه است (۲).

• ورزش، رهبری، کار تیمی، احترام به قوانین و احترام به یکدیگر را می‌آموزد (۸).

با توجه به ماهیت عوامل، این عوامل در کنترل جوامع است، همچنین خاص مبحث ورزش کردن و وحدت ملت است، در نتیجه نام این عامل به‌عنوان «وحدت ملی» نامگذاری می‌شود.

عامل پنجم: این عامل شامل گویه‌های ۵، ۱۶ و ۱۷ است که ۸/۵۴۰ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند. این سه عامل عبارت‌اند از:

• ورزش عامل توسعه پایدار کشورهاست (۵).

• ورزش برون‌دهای اقتصادی را افزایش می‌دهد (۱۶).

• ورزش بین دو کشور موجب ارتباط پایدار و توسعه میان دو کشور می‌شود (۲۱).

با توجه به ماهیت این عوامل، همه آنها در کنترل کشورهاست. همچنین خاص مباحث اقتصادی است. در نتیجه با توجه به ادبیات و همگرایی این عوامل، عامل را به‌عنوان «توسعه اقتصادی» نامگذاری می‌شود.

عامل ششم: این عامل شامل گویه‌های ۵، ۲۲ و ۱۱ است که ۶/۶۷۳ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند. این گویه‌ها عبارت‌اند از:

• ورزش دستمایه انقلاب ارتباطات و اطلاعات است (۲۲).

• ورزش نقش مهمی در زندگی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مردم کشورهای مختلف دارد (۹).

• نقش ورزش از فعالیت بدنی فراتر رفته و کارکردهای مختلف اجتماعی، آموزشی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی پیدا کرده است (۱۱).

این عوامل در کنترل جامعه و مردم است، همچنین خاص ارتباطات مردم آنان است. در نتیجه با توجه به ادبیات این عامل به‌عنوان «تحول و ارتباطات» نامگذاری شد.

عامل هفتم: این عامل شامل گویه‌های ۱۰ و ۲۰ است که ۶/۴۹۶ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کنند. این عوامل عبارت‌اند از:

• دیپلماسی ورزشی متأثر از ایدئولوژی مذهبی و سیاسی است (۱۰).

• ورزش گوناگونی مذهبی را کاهش می‌دهد (۲۰).

این عوامل در کنترل مردم و جامعه است، همچنین خاص مذهب آنان است. در نتیجه با توجه به ادبیات این عامل به‌عنوان «جریان‌های مذهبی» نامگذاری شد.

گام دوم: تشکیل ماتریس خودتعاملی ساختاری

ماتریس خود تعاملی ساختاری از ابعاد و مؤلفه‌های دیپلماسی ورزش و مقایسه آنها با استفاده از چهار حالت روابط مفهومی تشکیل شده است.

جدول ۲. ماتریس خودتعاملی ساختاری عوامل مؤثر بر دیپلماسی ورزشی منبع: خبرگان

	j	i	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱	جریان‌های سیاسی	X	X	X	X	X	X	V	V
۲	تبادل فرهنگی	X	X	X	X	X	X	V	V
۳	تحول و ارتباطات	X	X	X	X	X	X	V	V
۴	جریان مذهبی	X	X	X	X	X	X	V	V
۵	وحدت ملی	A	A	A	A	X	X	V	X
۶	عامل صلح‌سازی	A	A	A	A	X	X	V	X
۷	توسعه اقتصادی	A	A	A	A	A	A	X	A

گام‌های سوم و چهارم: ایجاد ماتریس دسترسی اولیه

و نهایی

جدول ۳. ماتریس دسترسی نهایی عوامل مؤثر بر دیپلماسی ورزشی منبع: محقق

	j	i	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	قدرت نفوذ
۱	جریان‌های سیاسی	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۷
۲	تبادل فرهنگی	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۷
۳	تحول و ارتباطات	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۷
۴	جریان مذهبی	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۷
۵	وحدت ملی	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۴
۶	عامل صلح‌سازی	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۴
۷	توسعه اقتصادی	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱
	میزان وابستگی	۴	۴	۴	۶	۶	۶	۶	۷	۳۷

گام پنجم: بخش‌بندی سطح

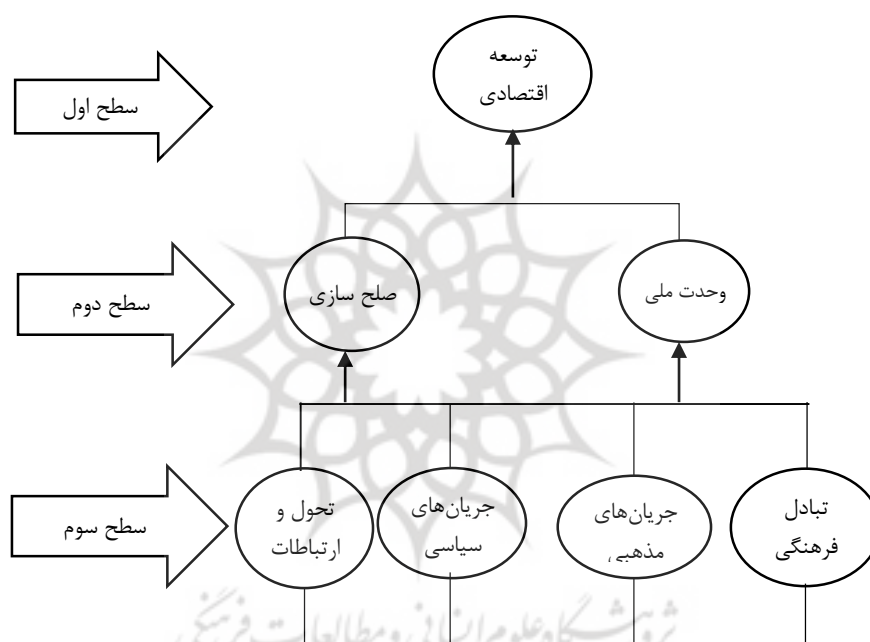
گام ششم: ترسیم مدل

پس از تعیین مجموعه دستیابی و پیش‌نیاز برای هر متغیر عناصر مشترک در مجموعه دستیابی و پیش‌نیاز برای هر متغیر شناسایی شدند. پس از تعیین مجموعه‌های پیش‌نیاز و دستیابی و عناصر مشترک نوبت به تعیین سطح متغیرها (عناصر) می‌شود. در اولین جدول متغیری دارای بالاترین سطح است که مجموعه دستیابی و عناصر مشترک آن کاملاً یکسان‌اند. پس از تعیین این متغیر یا متغیرها آنها را از جدول حذف می‌کنیم و با بقیه متغیرهای باقی‌مانده جدول بعدی را تشکیل خواهیم داد. در جدول دوم نیز همانند جدول اول متغیر سطح دوم را مشخص می‌کنیم و این کار را تا تعیین سطح همه متغیرها ادامه خواهیم داد.

پس از تعیین روابط و سطح متغیرها می‌توان آنها را به شکل مدلی ترسیم کرد. به همین منظور ابتدا متغیرها برحسب سطحشان به ترتیب از پایین به بالا تنظیم می‌شوند. در مدل حاضر متغیرها در پنج سطح قرار گرفتند. در بالاترین سطح مدل مزیت رقابتی و عملکرد رقابتی قرار گرفته است، که بیشترین اثر (ضریب وابستگی) را می‌پذیرد. در پایین‌ترین سطح مدل قابلیت مدیریت استراتژیک و بازارگرایی قرار گرفته است که همانند زیربنای مدل عمل می‌کند و مدل از این مورد شروع شود و به سایر متغیرها منجر می‌شود. در سطوح بعدی مؤلفه‌های دیگری قرار دارند که در شکل ۱ نمایش داده شده است.

جدول ۴. تعیین سطوح متغیرها

ابعاد	مجموعه دستیابی	مجموعه پیش نیاز	عناصر مشترک	سطح بندی
۱	۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷	۱-۲-۳-۴	۱-۲-۳-۴	سطح سوم
۲	۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷	۱-۲-۳-۴	۱-۲-۳-۴	سطح سوم
۳	۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷	۱-۲-۳-۴	۱-۲-۳-۴	سطح سوم
۴	۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷	۱-۲-۳-۴	۱-۲-۳-۴	سطح سوم
۵	۴-۵-۶-۷	۱-۲-۳-۴-۵-۶	۴-۵-۶	سطح دوم
۶	۴-۵-۶-۷	۱-۲-۳-۴-۵-۶	۴-۵-۶	سطح دوم
۷	۷	۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷	۷	سطح اول



شکل ۱. مدل استخراجی از فرایند مدلسازی ساختاری تفسیری

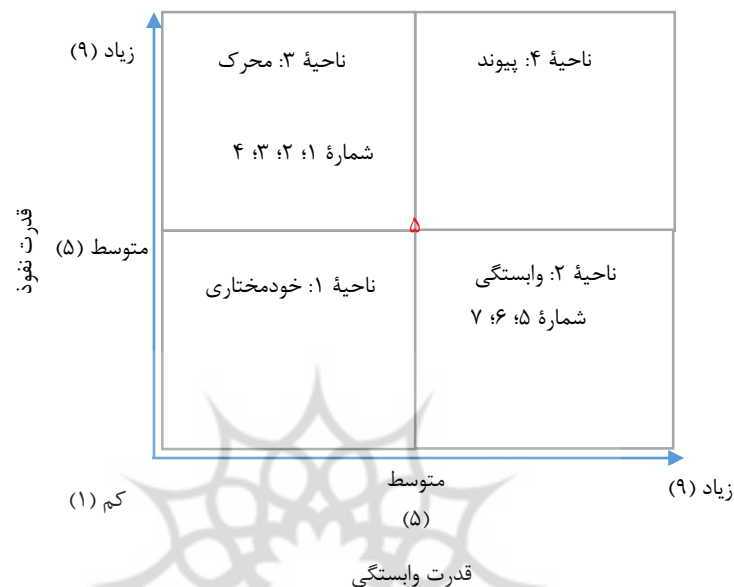
زیاد و قدرت وابستگی کم هستند. در دسته بعدی متغیرهای وابسته قرار دارند که به گونه ای نتایجی از فرایند توسعه محصول هستند، و خود کمتر می توانند زمینه ساز متغیرهای دیگر شوند. تمام نتایج در شکل ۲ و جدول ۵ نشان داده شده اند.

گام هفتم: تجزیه و تحلیل قدرت نفوذ و میزان وابستگی (نمودار MICMAC)

براساس قدرت وابستگی و قدرت نفوذ متغیرها می توان یک دستگاه مختصات تعریف و آن را به چهار قسمت مساوی تقسیم کرد. در این پژوهش گروهی از متغیرها در زیرگروه محرک قرار گرفتند، این متغیرها دارای قدرت نفوذ

جدول ۵. درجه قدرت نفوذ و وابستگی متغیرها منبع: محقق

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
قدرت نفوذ	۷	۷	۷	۷	۴	۴	۱
قدرت وابستگی	۴	۴	۴	۶	۶	۶	۷

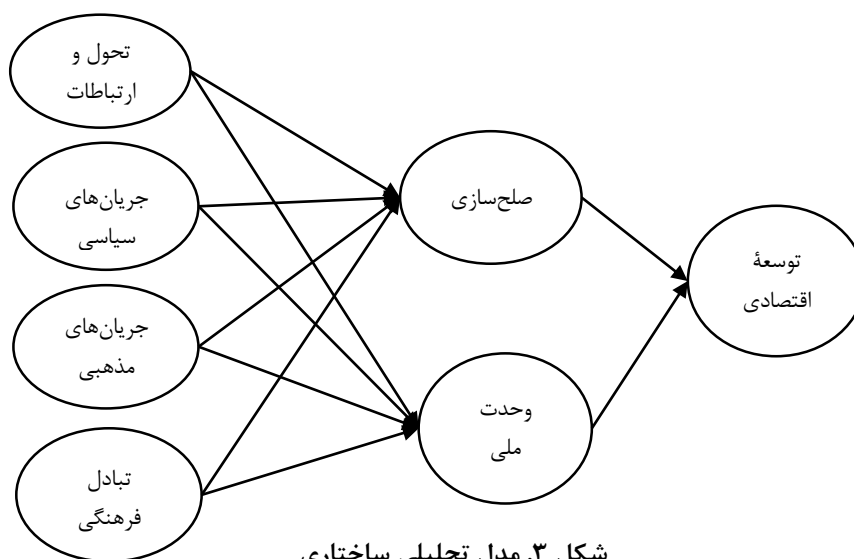


شکل ۲. قدرت نفوذ و وابستگی متغیرها

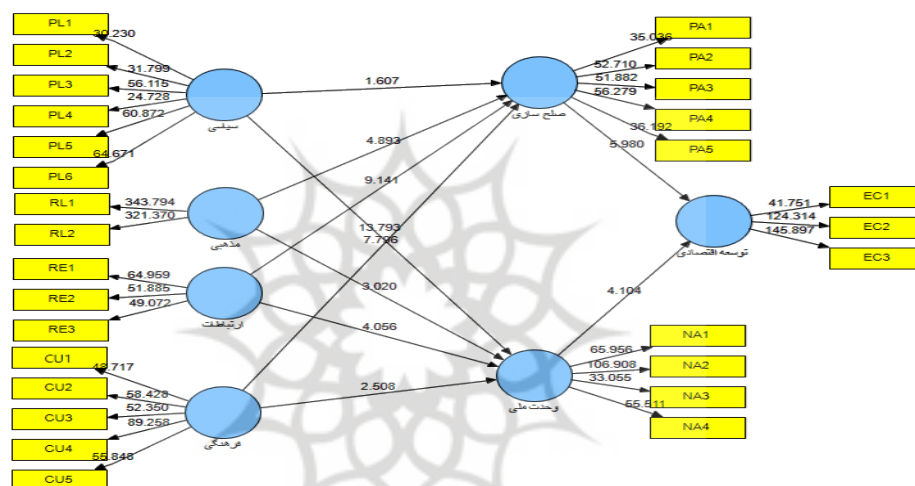
بررسی مدل معادلات ساختاری

پس از اینکه متغیرهای مستقل و وابسته مشخص شدند، می‌توان به بررسی رابطه متغیرها با استفاده از مدل معادلات ساختاری نرم‌افزار PLS به دلیل نیاز به حجم نمونه کمتر و مؤلفه محور بودن پرداخت. در خروجی نرم‌افزار کدهایی مشاهده می‌شود که هر کدام بیانگر یک متغیر است. بدین صورت که جریان‌های سیاسی با (PL)، تبادل فرهنگی با (CU)، تحول و ارتباطات با (RE)، جریان مذهبی با (RL)، وحدت ملی با (NS)، عامل صلح‌سازی با (PA)، توسعه اقتصادی با (EC) نشان داده شده‌اند. معیار

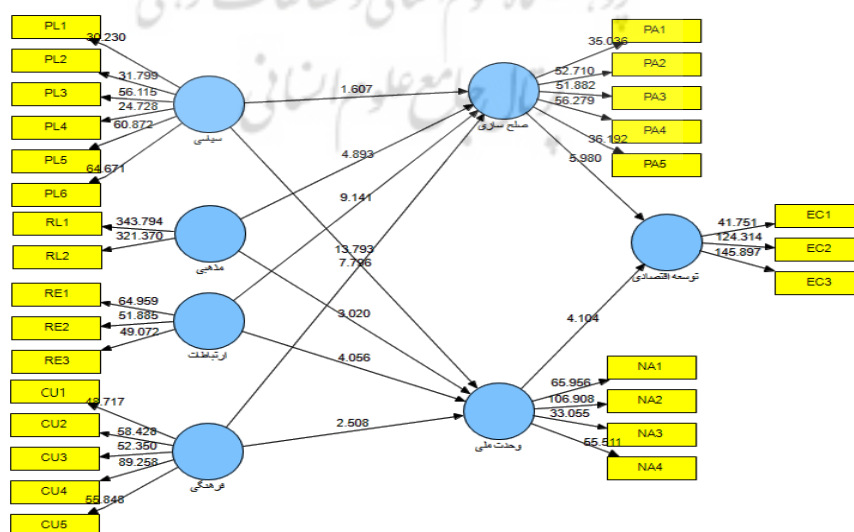
اساسی برای ارزیابی متغیرهای مکنون درون‌زا، ضریب تعیین R^2 است. مقدار R^2 (۰/۶۷، ۰/۳۳ و ۰/۱۹) در مدل‌های مسیری پی‌ال‌اس به ترتیب قابل توجه، متوسط و ضعیف است (آذر و همکاران، ۱۳۹۱). همان‌طور که مشاهده می‌شود، این مقدار برای متغیر صلح‌سازی برابر با ۰/۴۶۳، برای متغیر وحدت ملی برابر با ۰/۴۴۵ که مقدار قابل توجه هستند و برای متغیر توسعه اقتصادی برابر با ۰/۱۶۲ که مقدار ضعیف است. شکل ۳ مدل مفهومی پژوهش بعد از تعیین رابطه بین مؤلفه‌ها را نشان می‌دهد.



شکل ۳. مدل تحلیلی ساختاری



شکل ۴. مدل ساختاری پژوهش در حالت ضرایب مسیر ساختاری



شکل ۵. مدل ساختاری پژوهش در حالت اعداد معناداری

همان‌گونه که در مدل ساختاری پژوهش مشخص است، به‌استثنای رابطه بین جریان سیاسی و عامل صلح‌سازی که معناداری آن تأیید نشده است، معناداری رابطه بین متغیرهای جریان سیاسی، تبادل فرهنگی، تحول و ارتباطات و جریان مذهبی با وحدت ملی و صلح‌سازی در دیپلماسی ورزش ایران تأیید شده است. همچنین وحدت ملی و عامل صلح‌سازی رابطه معناداری با توسعه اقتصادی دیپلماسی ورزش داشته است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف شناسایی مهم‌ترین مؤلفه‌های دیپلماسی ورزش در ایران انجام گرفت. نتایج نشان می‌دهد که با توجه به شرایط پرتنش امروزی ایران و حجم وسیع فشارهای بین‌المللی که همگی به‌نوعی حاصل تحریم‌های بین‌المللی است، دیپلماسی ورزش می‌تواند در جهت چهره‌سازی و ایجاد تصویر مطلوب و مقبول در عرصه بین‌الملل سبب اصلاح دیدگاه‌ها و تصورات و برداشت دیگران از اهداف سیاست جمهوری اسلامی ایران شود. با استفاده از دیپلماسی ورزش که تداعی‌کننده صلح بین دولت‌ها و ملت‌هاست (۴)، سیاست فشار حداکثری علیه ایران که توسط برخی کشورهای غربی به سمت ایران روانه شده است، به‌همراه تبلیغات منفی توسط رسانه‌های جمعی کاهش یافته و چهره کشور ایران از حالت امنیتی بیرون می‌آید. ورزش به‌عنوان یک مقوله فرهنگی و غیرامنیتی می‌تواند به ترغیب‌سازی، اعتمادسازی و حساسیت‌زدایی، شفاف‌سازی و اقناع جمعی بازیگران اصلی منطقه‌ای و بین‌المللی و تأثیرگذاری بر الگوی تعامل بین بازیگران عرصه روابط بین‌الملل شود و از این راه موجب پرستیژ، چهره‌سازی مطلوب از ایران در سطح منطقه و عرصه بین‌الملل شود (۲۲). تأثیرات مؤلفه فرهنگی دیپلماسی ورزش به‌گونه‌ای است که موجب تعاملات مردم کشورهای

مختلف و توسعه گفتمان انقلاب از راه ورزش‌های بومی، محلی و باستانی است. دیپلماسی ورزش مردم کشورهای مختلف را روبه‌روی همدیگر قرار می‌دهد و موجب توسعه ارتباط فرهنگی می‌شود. دیپلماسی ورزش ابزارهایی دارد که به‌وسیله آن می‌توان روند مخاطبان خارجی را افزایش داد. برای مثال تاریخچه برگزاری و میزبانی جام جهانی فوتبال یا المپیک نشان داد که دولت‌ها و مردم را کنار یکدیگر می‌آورد و ضمن ایجاد حس دوستی و صلح‌سازی، زمینه را برای اهداف گسترده و دیپلماتیک بین کشورها را فراهم می‌سازد (۱۴). ورزش بین‌المللی می‌تواند زمینه را برای دیپلماسی ورزشی و ایجاد صلح (به‌عنوان بزرگ‌ترین دستاورد دیپلماسی ورزش) بین بازیگران منطقه‌ای ایجاد کند (۲۰). نتایج پژوهش نشان داد یکی دیگر از مهم‌ترین مؤلفه‌های دیپلماسی ورزش جریان‌های مذهبی است. با نگاهی به ممنوعیت ورود خانم‌ها به ورزشگاه در ایران به‌خوبی روشن است که دیپلماسی ورزش نیازمند تطابق با سنت‌های اسلامی و فقهی در ایران است. دستیابی به تعاملات دیپلماتیک کشور ایران در سایه ورزش متأثر از ایدئولوژی‌های مذهبی و سیاسی است. در کنار این عوامل، دیپلماسی ورزش رونق اقتصادی را برای جامعه تضمین می‌کند. دیپلماسی ورزشی طرح‌های توسعه‌دهنده را تسریع می‌کند و سبب می‌شود تا امکانات ورزشی در ایران گسترش یابد و در نهایت فرصت‌های استفاده از امکانات برای همه برابر باشد.

نتایج آزمون مدل ساختاری نشان داد که رابطه بین جریان‌های سیاسی و عامل صلح‌سازی تأیید نشده است. با توجه به گویه‌هایی که برای پرسشنامه پژوهش در نظر گرفته شده بود و نتایج مدل معادلات ساختاری در این پژوهش، می‌توان گفت با وجود اهمیت ورزش در توسعه و تحقق روابط دیپلماتیک بین کشور ایران و خارج کردن کشور از انزوای سیاسی، نتوانسته به افزایش بهبود روابط

خارجی و تفاهم بین کشور ایران با کشورهای دیگر کمک کند. بنابراین می‌توان گفت اتفاقات سیاسی پیرامون ایران داشتن عامل صلح‌ساز ناشی از دیپلماسی ورزش را به چالش کشیده و رابطه بین این دو مؤلفه را تأیید نکرده است.

از دیگر نتایج مدل معادلات ساختاری این بود که تبادل فرهنگی، تحول و ارتباطات و جریان‌های مذهبی تأثیر مثبت و معناداری بر عامل صلح‌سازی دارد. در واقع با توجه به اینکه ورزش ابزاری در جهت ارائه تصویر واقعی ایرانی‌ها به یکدیگر است و می‌تواند عاملی برای توسعه گفتمان فرهنگی سایر ملل باشد، زمینه را برای صلح پایدار با کشورهای غربی فراهم می‌کند. ورزش با تحولات ارتباطی و اطلاعاتی رابطه نزدیکی دارد و این تبادل اطلاعات در سایه ورزش به تسریع روند صلح‌سازی کمک کرده است.

وحدت ملی و عامل صلح‌سازی با توسعه اقتصادی نیز رابطه مثبت و معنادار دارد. وقتی کشور ایران بتواند روابط حسنه و دوستانه با جامعه بین‌المللی داشته باشد، شانس بیشتری برای میزبانی رویدادهای بزرگ ورزشی دارد و با میزبانی این رویدادها اشتغال‌های غیرمستقیم حاصل از آن افزایش می‌یابد.

به‌طور کلی می‌توان گفت در عصری که حجم تبلیغات منفی در همه امور علیه کشور ایران صورت گرفته است و برخی از مردم عادی هم از این روند و رویدادها تأثیر پذیرفتند، یکی از بهترین ابزار برای تغییر دیدگاه مردمان -که عنصر اصلی دیپلماسی ورزش را تشکیل می‌دهند-

استفاده از ورزش و توجه ویژه به تبادلی است که در سایه ورزش رخ می‌دهد. کشور ایران می‌تواند با در نظر گرفتن مؤلفه‌های استخراج‌شده در این پژوهش بینش جدیدی را در برقراری دیپلماسی ورزش با همکاری سازمان‌های متولی این امر اشاعه دهد تا ضمن پاسخ به جنگ روانی دشمن علیه کشور ایران، زمینه را برای تغییر دیدگاه مردم کشورهای دیگر فراهم کند. از این منظر ورزش و دیپلماسی با سایر بخش‌های اجرایی کشور پیوند نزدیکی خواهد داشت. برای مثال همکاری سازمان‌های گردشگری و ورزشی با یکدیگر، ضمن کاهش تنش‌های سیاسی بین دو کشور، تعاملات مثبت فرهنگی و معرفی سرزمین ایران در قالب ورزش را به‌دنبال دارد. نکته دیگر این است که دیپلماسی از راه ورزش و به‌دنبال آن بهبود روابط با کشورهای خارجی، کشور ایران را از حالت انزوا دور کرده و فرصت سرمایه‌گذاری در عرصه‌های ورزشی و غیرورزشی را از طریق رشد گرایش‌های مثبت فرهنگی و امنیت روانی خارجی‌ها افزایش می‌دهد که به نوبه خود توسعه اقتصادی کشور را که یکی از مؤلفه‌های مثبت دیپلماسی ورزشی است را رقم می‌زند. شرایط امروز کشور ایران به‌گونه‌ای است که در کنار عزم و وحدت ملی نیازمند داشتن سیاست خارجی فعال است. می‌توان گفت سیاستی که بتواند به ورود به حوزه‌های غیرامنیتی همچون ورزش نیازهای اقتصادی، دیپلماتیک، سیاسی و امنیتی ایران را تأمین کند.

منابع و مآخذ

۱. باقری، یوسف؛ شریعتی فیض‌آبادی، مهدی؛ نظریان، عباس (۱۳۹۵). «مدلسازی ساختاری تفسیری (ISM) مؤلفه‌های دیپلماسی ورزش»، نشریه مدیریت ورزش، ش ۵، ص ۸۲۱ - ۷۹۷.
۲. بصیری، محمدعلی (۱۳۹۱). «جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران (روش‌ها، ابزار و راه‌حل‌ها)»، نشریه مطالعات قدرت نرم، ش ۵، ص ۱۵۱ - ۷۷.

۳. التیام‌نیا، رضا؛ محمدی عزیزآبادی، مهدی (۱۳۹۴). نقش تبعی و تسریع‌کننده ورزش در فراهم کردن شرایط صلح در بین دولت‌ها، ش ۲۲، ص ۱۴۹ - ۷۹.
۴. درخشه، جلال؛ غفاری، مصطفی (۱۳۹۰). «دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در فرصت‌ها، اقدامات، اولویت‌ها»، نشریه مطالعات فرهنگ و ارتباطات، ش ۱۶، ص ۹-۴۵.
۵. دمیرچی‌لو، صغری (۱۳۹۴). «بررسی روابط بومیان و نخستین فرنگیان در خلیج فارس»، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، ش ۶۴، ص ۲۵-۴۴.
۶. رسنگاری، اسماعیل؛ کرباسی، علیرضا (۱۳۹۴). «شکل‌گیری نخستین بنیان‌های جهانی شدن در عصر هخامنشی با رویکرد دینی»، نشریه پژوهش‌های تاریخی، ش ۱، ص ۸۴ - ۶۳.
۷. زرگر، افشین (۱۳۹۴). «ورزش و روابط بین‌الملل، جنبه‌های مفهومی و نظری»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، ش ۳۸، ص ۳۸-۷.
۸. سلطانی‌فر، محمد؛ خانداده، لیلا (۱۳۹۲). «دیپلماسی رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران (فرصت‌ها، چالش‌ها، آسیب‌شناسی و راهبردها)»، مطالعات فرهنگ و ارتباطات، ش ۲۲، ص ۶۳-۹۱.
۹. شریعتی فیض‌آبادی، مهدی؛ گودرزی، محمود (۱۳۹۴). «جایگاه دیپلماسی ورزش در توسعه روابط بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران»، دوفصلنامه دانش سیاسی، ش ۲۲، ص ۹۱-۱۲۷.
۱۰. شریعتی فیض‌آبادی، مهدی؛ گودرزی، محمود (۱۳۹۶). «مدلسازی ساختاری مؤلفه‌های دیپلماسی ورزش در توسعه روابط بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران»، نشریه رویکردهای نوین در مدیریت ورزشی، ش ۱۶، ص ۸۹-۱۰۴.
۱۱. صباغیان، علی (۱۳۹۴). دیپلماسی ورزشی، نشریه مطالعات فرهنگ و ارتباطات، ش ۳۱، ص ۱۵۱-۱۳۷.
۱۲. کشاورز شکری، علی؛ بیات، محسن؛ بخشنده، خاطره (۱۳۹۲). «دیپلماسی فرهنگی ایران در خاورمیانه: تحول ارتباطات و لزوم کاربرد»، مطالعات فرهنگ ارتباطات، ش ۲۳، ص ۲۹ - ۷.
۱۳. مصباح، احسان (۱۳۹۳). «دیپلماسی کلاسیک و گسترش آن در ایران»، فصلنامه سیاست، ش ۴، ص ۵-۱۸.
۱۴. نصیری مقدم، مهدی (۱۳۹۱). تبیین رابطه جام جهانی فوتبال با روابط خارجی کشورها، پایان‌نامه دانشکده جغرافیا، دانشگاه تربیت مدرس، ص ۵۶.
15. Cha, V. D. (2013). Winning is not enough: sport and politics in East Asia and beyond. *The International Journal of the History of Sport*, 30(11), 1287-1298.
16. Grix, J., & Houlihan, B. (2014). Sports mega-events as part of a nation's soft power strategy: The cases of Germany (2006) and the UK (2012). *The British journal of politics and international relations*, 16(4), 572-596.
17. Murray, S. (2011, May). Sports-Diplomacy: a hybrid of two halves. In *Artigo apresentado no International Symposium on Cultural Diplomacy. Anais... Berlim* (pp. 1-25).
18. Murray, S., & Pigman, G. A. (2014). Mapping the relationship between international sport and diplomacy. *Sport in Society*, 17(9), 1098-1118.
19. Pigman, G. A. (2014). International Sport and Diplomacy's Public Dimension: Governments, Sporting Federations and the Global Audience. *Diplomacy & Statecraft*, 25(1), 94-114.

20. Roberts, W. R. (2007). What is public diplomacy? Past practices, present conduct, possible future. *Mediterranean Quarterly*, 18(4), 36-52.
21. Spaaij, R. (Ed.). (2019). *The social impact of sport: cross-cultural perspectives*. Routledge.
22. Štulajter, I., & Štulajter, M. (2016). Significance of Sport in International Relations. *Journal of Modern Science*, (2 (29)), 381-388.
23. Ushkovska, M., & Petrushevska, T. (2015). Sports Diplomacy: Development and Practice. *Research in Kinesiology*, 43(1), 89-93.
24. Dubinsky, Y. (2019). From soft power to sports diplomacy: a theoretical and conceptual discussion. *Place Branding and Public Diplomacy*, 15(3), 156-164.
25. Rowe, D. (2019). The Worlds That Are Watching: Media, Politics, Diplomacy, and the 2018 PyeongChang Winter Olympics. *Communication & Sport*, 7(1), 3-22.
26. Said, A. (2019). Qatar's bid for the World Cup: the role of sport in international relations (Bachelor's thesis, University of Malta).



Thematic Analysis of Sport Diplomacy in Development of International Relations

Arash Dousti¹ - Reza Saboonchi^{*2} - Mahdi Shariati Feizabadi³

1.PhD Student of Sport Management, Borujerd Branch, Islamic Azad University, Borujerd, Iran 2.Assistant Professor of Sport Management, Borujerd Branch, Islamic Azad Univeristy, Borujerd, Iran 3.Assistant Professor, Technical and Vocational University, Tehran, Iran

(Received: 2019/07/20;Accepted: 2019/10/21)

Abstract

The aim of the present study was to identify and extract the important and influential components of sport diplomacy. The methodology of this study was applied and a survey in terms of data collection that was conducted in a mixed approach (qualitative and quantitative). The statistical population was equal to all the experts and the statistical sample in the quantitative section according to Cochran's formula for the unknown population size was equal to 218 subjects who were selected by convenience sampling method. Firstly, sport diplomacy related components were extracted with a review of the related literature. Then, using the fuzzy Delphi method, the items of the questionnaire were validated by experts. Exploratory factor analysis was used to summarize the themes extracted from interviews, to identify factors, and to name the extracted factors. Finally, seven components of political processes, cultural exchange, peacebuilding, national unity, economic development, transformation and communication and religious trends were extracted. Next, Structural-Interpretive Modeling (SIM) and Structural Equation Modeling (SEM) tests were used to investigate the relationships of variables. The results showed that political processes, cultural exchange, transformation and communication had direct and significant effects on national unity. The significance of political processes has not been endorsed by the peacebuilding factor, but national unity and the peacebuilding factor in sport diplomacy had direct and significant effects on the economic development of societies; thus, it seems that strengthening national unity and the peacebuilding role of sport in societies can help their economic prosperity.

Keywords

Culture, economy, Iran, peace, sport diplomacy.

* Corresponding Author: Email: saboonchi.reza@yahoo.com ; Tel: +989163626975